

# استهلاک پلیس؛ چرا و به چه قیمت؟

## عباس عبدي

انتشار يك تصوير ويديويي از ماموران گشتهای ارشاد در برخورد با زنان و دختران و کشاندن آنان به وسیله مردان به داخل خودرو به طرز خشنی، موجب بازتاب بسیار بدی شد که در نهایت پلیس نیز واکنش نشان داد و عملکرد مامور خود را تخطئه کرد. از این تصاویر پیشتر نیز پخش شده بود. بروز اینگونه رخدادها ریشه عمیقی دارد و شایسته توجه بیشتری است. به نظر میرسد که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های يك جامعه سالم، اقتدار پلیس آن است. در واقع هنگامی که پلیس به يك نفر دستور می‌دهد یا از او می‌خواهد که سوار خودرو شود یا دستانش را برای زدن دستبند آماده کند، او باید اطاعت کند، حتی اگر بعداً معلوم شود که پلیس در تشخیص خود اشتباه کرده یا آن فرد مظنون، بی‌گناه است. نباید اقتدار پلیس مخدوش شود چون در این صورت سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. از این نظر مقاومت در برابر دستور پلیس پذیرفتنی نیست. افراد و مظنونان خودشان نمی‌توانند مرجع تشخیص وارد بودن یا وارد نبودن شك و ظن پلیس باشند. ولی این گزاره دو شرط جدی هم دارد که اگر رعایت نشود همین وضعی رخ خواهد داد که می‌بینیم، زیرا بدون توجه به این دو شرط مردم کم‌کم و به طور طبیعی در برابر دستور پلیس مقاومت می‌کنند و از اجرای دستورات آن سر باز می‌زنند همچنان‌که در اینجا شده است.

اولین شرط ضرورت قانون‌مند بودن رفتار و اقدامات پلیس است. پلیس باید مبتنی بر قانون و شناسایی خود رفتار کند، در غیر این صورت همان می‌شود که در جامعه ایران شاهدیم. موارد قابل توجهی وجود دارد که برخی جرایم از قبیل سرقت و آدم‌ربایی و کلاهبرداری با پوشش پلیس انجام می‌شود. آخرین نمونه آن گزارشی است که چند روز پیش از دستگیری باندي از این‌گونه جرایم در مازندران منتشر شد. اگر مردم در برابر دستورات پلیس بدون حق پرسشگری و شناسایی سر به راه باشند هر کس می‌تواند با پوشیدن يك لباس و نشان دادن يك کلت واقعی یا غیرواقعی افراد را بازداشت کند یا داخل هر خانه‌ای شود و اقدامات مجرمانه انجام دهد. یکی از علل افزایش جرایم با استفاده از پوشش‌های جعلی پلیس، رواج رفتارهای غیرقانونی است و پلیس

نمی‌کوشد که اطمینان مردم را بر حقیقی بودن خود جلب کند. متأسفانه پلیس ایران در این زمینه ضعیف است.

اگر کسی خود را پلیس معرفی کند و در خیابان یا با مراجعه به منزل کسی بخواهد او را بازداشت کند، حتماً باید شیوه‌های معتبر و قابل شناسایی او در اختیار مردم باشد و پلیس هم از این شناسایی استقبال کند نه اینکه آن را نشانه ضعف خود تلقی کند، مثلاً از طریق تماس با 110 و استعلام از آنجا. شرط دوم منطبق بودن قانون با عرف و وجدان اجتماعی است. اگر یادتان باشد در ماجرای ماهواره، پلیس طبق قانون برای برداشتن ماهواره‌ها اقدام می‌کرد، کار آنان قانونی هم بود. ولی چون این قانون مطابق با وجدان و خواست اجتماعی نبود و مردم داشتن ماهواره را جرم نمی‌دانستند بلکه حق خود می‌دانستند، لذا جلوی پلیس می‌ایستادند و پلیس را مستهلک می‌کردند. چه بسا برخی از همان پلیس‌ها نیز خودشان در عمل از ماهواره استفاده می‌کردند. موارد دیگری از این نوع تعارض را هم داریم. یکبار فیلمی از توقیف موتورهای منتشر شد که در نهایت مردم به کمک یکی از موتورسواران آمدند و پلیس را فراری دادند، چرا؟ به این علت که وضع اقتصادی و معیشت خوب نیست و موتور اربابان نان درآوردن است و از آن مهم‌تر اینکه نگاه به پلیس دچار خدشه شده است. در خصوص حجاب نیز همین‌طور است. بسیاری از دختران و زنان که رعایت ضوابط ماده مربوط به پوشش را نمی‌کنند، هیچ حسی از مجرمانه بودن فعل خود ندارند. بیشتر مردم نیز با آنان همراه هستند، نظرسنجی‌ها این را نشان می‌دهد. در نتیجه رودرروی پلیس قرار می‌گیرند نه از جهت دشمنی با پلیس یا ایستادن جلوی قانون، بلکه چون کار خود را جرم نمی‌دانند در نتیجه این تنش‌ها ایجاد می‌شود. این تنش فقط ریشه در عملکرد پلیس ندارند، بلکه مشکل از قانونگذار است؛ قانونی که حتی اجرا هم نمی‌شود. به لحاظ قانون بیرون بودن نصف موی سر با تمام آن فرقی ندارد ولی با یکی برخورد می‌شود و با دیگری خیر. این تعارض میان قانون و خواست عمومی و ضعف در بنیان و فلسفه قانون است و ریشه تنش‌های موجود و استهلاک نیروی پلیس است. تا هنگامی که این دو شرط محقق نشود، همچنان شاهد این تقابل‌ها و رخدادها خواهیم بود و عوارض آن نیز بر جامعه بار خواهد شد. یقین دارم که اگر از نیروهای پلیس نیز نظرخواهی شود، اکثر بلکه همه آنان از تعقیب و گرفتن دزد، قاتل، قاچاقچی، کلاهبردار و... خوشحال می‌شوند ولی بعید است که هیچ علاقه‌ای به این نوع برخورد با زنان، خواهران و دختران خود داشته باشند. اهداف حکومت درباره حجاب را با قانون‌نویسی و اجرای اینچنینی آن نمی‌توان حل کرد. این کار آب در هاون کوبیدن است.

□□□□□□ 1400 □□□ 26 □□□□□□ □□□□□□:□□□□